

بررسی تأثیر ساختار کالبدی بر رفتار فضایی بهره‌بران با رویکرد روان‌شناسی محیط (مطالعه موردی: پایانه مسافربری استان همدان)*

ندا مستقیمی**، محمدمهری گورزی سروش***، گلرخ دانشگر مقدم****

تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۷/۱

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۴/۸/۱۰

چکیده

با توسعه جوامع انسانی، توجه معماران، طراحان و برنامه‌ریزان به کیفیت فضا و ساختار کالبدی آن افزایش یافته و نقش طراحی به عنوان ابزاری در چهت شکل دادن به محیط زندگی و پاسخ‌گویی به توقعات و نیازهای انسان، اهمیت بیشتری یافته است. رفتار فضایی فرد، در محیط جغرافیایی که در آن زندگی می‌کند، متأثر از عناصر تشکیل‌دهنده محیط و ساختار کالبدی پیرامون او، بر پایه‌ی ویژگی‌های روان‌شناسی، شخصیتی، فرهنگی و اجتماعی شخص بوده، که در فضای خود می‌دهد. ساختار کالبدی محیط، فرصلهای متعددی را برای بروز رفتار فضایی افراد ایجاد می‌کند. مکان پایدار به عنوان محیط ایده‌آل و پاسخده، نشانگر میزان کیفیت محیط بوده و به نسبتی که قابلیت‌های عرضه شده در محیط بیشتر باشد، افراد بر اساس فایده‌های ادراک-شناخت و انگیزش‌های درونی، ارتباط مؤثرتری با محیط برقرار می‌کنند. درواقع ساختار کالبدی، مجموعه ایست متشکل از فضاهای و عناصر فرعی که در کنار یکدیگر عنصر اصلی و کلیت طرح را شکل می‌دهند. این عناصر شامل: فضاهای داخلی، خارجی، مکان‌یابی، چیدمان و غیره است که متغیرهای فیزیکی همچون صدا و نور رفتار فضایی فرد را در محیط تحت تأثیر قرار می‌دهد. پژوهش موجود، محصول مطالعه چندین منبع و مرجع هماهنگ با موضوع (روش کتابخانه‌ای) و میدانی (مشاهده عینی- مصاحبه دقیق) بوده و هدف از ارائه این مقاله، بررسی عوامل و مؤلفه‌های کالبدی مؤثر بر رفتار فضایی و تبیین راهکارهای مناسب در چهت بهبود کیفیتی، در ساختار کالبدی محیط فیزیکی است. در این پژوهش پایانه مسافربری استان همدان، به عنوان نمونه موردی، انتخاب شده است.

واژگان کلیدی

ساختار کالبدی، رفتار فضایی، روان‌شناسی محیط

* این مقاله برگرفته از پایانه نامه کارشناسی ارشد نگارنده اول با عنوان «بررسی تأثیر ساختار کالبدی بر رفتار فضایی بهره‌بران با رویکرد روان‌شناسی محیط (نمونه موردی: پایانه مسافربری استان همدان)**» با راهنمایی نگارنده دوم و مشاوره نگارنده سوم در دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان به اتمام رسیده است.

** دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد همدان.

mostaghim@ yahoo.com

goodarzisoroush@gmail.com

daneshgar25@yahoo.com

*** استادیار گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد همدان.

**** استادیار گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد همدان.

مقدمه

رفتار رو در روی دیگران یا ارتباطات اجتماعی در محیط‌های جمعی، اغلب نتیجه قضاوت دیگران بر پایه حالات کالبدی مانند: سکونت، مبلمان یا عادات است، که به زمینه بستگی دارد (راپاپورت، ۱۳۸۴). محیط‌های جمعی که دارای استفاده کنندگان متعدد و متعدد هستند، خود مشتمل بر نظام‌های اجتماعی متعددی هستند. این نظام‌های اجتماعی، مجموعه‌ای از افراد هستند که مستقیم یا غیرمستقیم به منظوری خاص با هم رابطه منظم اجتماعی دارند و با در کنار هم قرار گرفتن این نظام‌های مختلف، در یک کالبد معین یک نظام اجتماعی کلی و بزرگ‌تر شکل می‌گیرد که در جهانی خاص به فعالیت می‌پردازد و همان‌طور که می‌دانیم برای اکثر فعالیت‌هایی که به صورت جمعی انجام می‌گیرد، یک جامعه با محدودیت‌های سنی یا جنسی وجود دارد، که شامل استانداردهای خاص و ویژه با اصول و قوانین زیباشناختی و طراحی است؛ ولی با توجه به اینکه در برخی از مکان‌هایی که داریم، نوع فعالیتها از حالت خارج شده و دارای ویژگی‌های متعددی می‌شود، در کنار هم قرار دادن آنها، با میزان ارتباطی که با هم دارند ممکن است باعث تداخل آنها هم شود. (جان لنگ، ۱۳۹۰) ترمینال‌ها همانند سایر مکان‌های معماری از ویژگی‌های منحصر به فردی برخوردار است که در ایران کمتر به آن پرداخته شده و جای خالی آن بهوضوح دیده می‌شود. درواقع عوامل مختلفی در ساختار کالبدی هر مجموعه، تعیین کننده‌ی رفتار افراد در آن محیط است. در محیط‌های جمعی برای پاسخگویی به الگوهای جاری رفتار در هر نظام اجتماعی از اصولی پیروی می‌کنند. برخی از رفتارها پیچیده‌اند و یا تعامل اجتماعی مردم و سلسه‌ای از رفتارها تحت تأثیر یکدیگر شکل می‌گیرند. این رفتارها هر کدام در یک قرارگاه رفتاری انجام می‌گیرد و با کنار هم قرار گرفتن این گونه قرارگاه‌های رفتاری، قرارگاه رفتاری بزرگ‌تری شکل می‌گیرد. (جان لنگ، ۱۳۹۰) بررسی رفتار فضایی افراد در ساختار کالبدی پایانه‌های مسافربری نتیجه مطالعه اجتماعی و عمومی نظام فعالیت‌های جمعی است. از این‌رو در طراحی پایانه‌ها می‌بایست بیشتر به الگوهای رفتاری جمعی اشاره کرد تا فردی. به علت تعدد و تنوع استفاده کننده‌ها در پایانه‌ها، باید کمترین تداخل حرکتی و فضایی در فعالیتها وجود داشته باشد. لازمه داشتن احساسی خوب از فضای این است که تمام عناصر آن از چیدمان مبلمان، رنگ و بافت‌ها گرفته تا نوپردازی، در بهترین حالت ممکن باشد، بوی خوش مشام را باشد، که تمام عناصر آن از موسیقی ملایم و مناسب در فضای انداز باشد و افراد احساس وجود فضایی شخصی و قلمرو مختص به خود را نوازش دهد و صدای موسیقی ملایم و مناسب در فضای انداز باشد و افراد احساس وجود موفق خواهد بود. افراد چگونه از ویژگی‌های موجود در داشته باشند، در این صورت می‌توان گفت فضای در جلب رضایت بهره بران خود موفق خواهد بود. افراد چگونه از ویژگی‌های موجود در فضای بهره گرفته و بر اساس عالیق درونی خود چگونه از سازمان دهی محیط به گونه‌ی متداول آن استفاده می‌کنند؟ به طور کلی رفتار افراد در برخورد با فضای متفاوت است. ما بیشتر ساعتی بیداری خود را در تعامل با دیگران می‌گذرانیم و نیازهای فردی و جمعی خود را از همین روابط تأمین می‌کنیم. طبیعت اجتماعی انسان، او را بر آن داشته تا به زندگی جمعی روی آورد و جوامع گسترشده و متعدد امروزی را ایجاد کند. کانون شکل‌گیری این جوامع را باید در تعاملات اجتماعی متفاوتی عمل می‌کند. رفتار یک فرد، بازتاب منظومه یگانه‌ای از ویژگی‌های موقعیت، افراد مختلف در یک موقعیت معین به شیوه‌های متفاوتی عمل می‌کند. رفتار یک فرد، بازتاب منظومه یگانه‌ای از ویژگی‌هایی است که وی با خود به موقعیت می‌آورد. روان‌شناسی شخصیت با مطالعه این قبیل تفاوت‌های فردی سروکار دارد. اما در عین حال، می‌دانیم که هر شخص در موقعیت‌های مختلف به گونه‌های متفاوت عمل می‌کند. هر موقعیت شامل مجموعه یگانه‌ای از نیروهای است که بر رفتار فرد اثر می‌گذارند. روان‌شناسی اجتماعی با مطالعه تأثیرات موقعیت نیز سروکار دارد. دومین نکته این است که اگر موقعیت‌ها در نظر افراد واقعی بنمایند، پی‌آمد آن‌ها نیز واقعی خواهد بود. به عبارت دیگر، مردم تنها به ویژگی‌های عینی یک موقعیت واکنش نشان نمی‌دهند، بلکه به تعبیر و تفسیرهای خود از آن موقعیت نیز عکس العمل نشان می‌دهند. این امر یکی از عللی است که موجب می‌شود افراد مختلف در یک موقعیت عینی معین به گونه‌های متفاوت عمل کنند. درواقع نظام فعالیت از راههای مختلفی چون ثبت دوره‌ای فعالیت‌ها، آمارگیری و مطالعه مبدأ و مقصد که از رویکردهای خود مطالعه رفتار فضایی هستند، قابل بررسی است. محیط‌های با طراحی خاص معمول برای یک الگوی جاری رفتار طراحی می‌شوند. در نتیجه هر طرح خاص یک فعالیت را بهتر از فعالیت‌های دیگر تأمین می‌کند (جان لنگ، ۱۳۹۰).

اهداف تحقیق

آنچه در این پژوهش مورد توجه است، بحث رفتار فضایی افراد، ارتباط و تعاملات آن‌ها با توجه به ساختار کالبدی و سازمان دهی مؤثر محیط و فضاهای است، که امروزه کمتر مورد توجه قرار گرفته است. به عبارت دیگر سازگاری دست‌ساخته‌های بشری با شرایط روان‌شناسی

و نیازهای ذاتی انسان، در طراحی فضاهای بطوری که بتواند قلمرو امن و مناسبی را برای کاربران فراهم سازد، دیده نمی‌شود. در نتیجه، علی‌رغم اینکه در معماری قدیم شاهد ساختمان‌هایی در کمال سادگی و خلوص، در هماهنگی و همخوانی با ویژگی‌های روحی و روانی افراد هستیم، در عصر حاضر دست‌ساخته‌های بشری در پیوند با ویژگی‌های روان‌شناسی قرار نگرفته‌اند. از جمله اهداف پژوهش حاضر ساخت و بررسی نقش و اهمیت رفتار فضایی افراد با توجه به تأثیر و نقش ساختار کالبدی در سازمان‌دهی فضا در محدوده و قلمرو پایانه مسافربری و جستجوی عمیق در این رابطه و یافتن چارچوب‌ها و مبانی اساسی در شکل‌گیری آن است.

روش تحقیق

روش توصیفی، به عبارتی این تحقیق وضع موجود را بررسی می‌کند و به توصیف منظم و نظام‌دار وضعیت فعلی آن می‌پردازد و ویژگی‌ها و صفات، ماهیت، فرآیندها و روندهای آن را مطالعه و در صورت لزوم ارتباط بین متغیرها را بررسی می‌نماید و محقق دخالتی در موقعیت، وضعیت و نقش متغیرها ندارد و صرفاً آنچه را که وجود دارد بررسی و به توصیف آن می‌پردازد. روش گردآوری اطلاعات موردنبیاز، استفاده از روش (کتابخانه‌ای شامل متن‌خوانی و فیش‌برداری) و میدانی (مشاهده دقیق عینی و مصاحبه‌های عمیق) به صورت هماهنگ و تلفیقی است. تجزیه و تحلیل اطلاعات با استفاده از عقل و منطق و منطق و اندیشه و استدلال، بوده و استناد، مدارک و اطلاعات را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داده و واقعیت را کشف می‌کنیم. در این تحقیق و بررسی جهت کسب اطلاعات جامع‌تر و تحلیل دقیق‌تر مسئله و پیشبرد روند تحقیق مطالعات میدانی صورت می‌گیرد که در این زمینه از پایانه مسافربری همدان به عنوان نمونه موردی جهت مطالعه، بررسی و ارزیابی و تحلیل همه‌جانبه برای رسیدن به نتایج دقیق‌تر و کارآمدتر استفاده می‌شود.

پیشینه تحقیق

در سال‌های اخیر مطالعات فراوانی در مورد محیط ساخته شده، چیدمان آن و رفتار فضایی انجام شده که به نظر نمی‌رسد جهت‌گیری نظری روشی داشته باشد. این مطالعات بیشتر تحت تأثیر نظریه‌های رفتارشناسی و روانکاوی بوده است. مطالعات و دیدگاه‌های ادوارد هال (۱۹۶۶) و رابرتسامر (۱۹۷۴-۱۹۶۹) از این نوع هستند. اقتصاددانان، جامعه شناسان، مردم شناسان و رفتارشناسان روی جنبه‌های مختلفی از رفتار فضایی افراد اعتقاد دارند. دو طیف مختلف تحقیق در این تلاش‌ها وجود داشته است. طیف اول به اجتماع مردم و مکان‌های فعالیت در مقیاس کلان‌شهری و منطقه‌ای پرداخته‌اند. شناخت توزیع فعالیت‌ها و دلایل توزیع آن‌ها موردنظر برنامه ریزان شهری و منطقه‌ای بوده است. معماران و طراحان محیط و منظر و طراحان شهری بیشتر با رفتار در مقیاس خرد سروکار دارند (جان لنگ، ۱۳۹۰).

ویلیام کرک در شناخت حسی نسبت به روابط پیچیده میان انسان و محیط، چهار عامل عمده را اساس کار می‌داند:

- ۱- انسان به عنوان عامل مهم در تغییرات محیطی
- ۲- زندگانی جغرافیایی گذشته
- ۳- محیط طبیعی به عنوان یک عامل در تاریخ
- ۴- تکامل چشم اندازهای جغرافیایی

از نظر ویلیام کرک تکونی و تکامل تک‌تک این چهار عامل امكان‌پذیر نیست.

دیوید لاونتال از پیشگامان مکتب جغرافیای رفتار فضایی معتقد است که این مکتب بیش از همه از نظریات ژان پیاژه بهره گرفته است. در نظریه پیاژه، کنش یا تعامل میان موجود زنده و محیط زندگی او، نقش اساسی دارد. این تعامل یا مبادله میان فرد و محیط به دو صورت انجام می‌گیرد:

سازگاری: جنبه برخورد و سازش با محیط را میان فرد و محیط او نشان می‌دهد.

سازمان: بدین مطلب تکیه دارد که اعمال ذهنی پراکنده و نامرتب نیستند بلکه آنها، با یکدیگر هماهنگی کامل دارند.

دیوید لاونتال عقیده دارد: جغرافیای شخصی افراد، از عوامل و اجزایی تشکیل می‌شود که در جهان‌بینی مشترکشان دیده نمی‌شود. از این‌رو، لاونتال یک نوع جدا گزینی تحلیلی میان جغرافیایی شخصی و همگانی، میان جغرافیایی خردورزی و خردستیزی، میان جغرافیایی عاقل و دیوانه، میان جغرافیایی مردان قوی فکر و زنان، میان جغرافیایی جهان واقعی و جهان تصویری، میان جغرافیایی آگاه و ناآگاه و درنهایت میان جغرافیایی کودکان و جوانان و بزرگسالان قائل می‌شود (شکوئی، ۱۳۸۷). روانشناسی به نام پل گامپ در پژوهش و تحلیل خود از رفتار افراد در بازار خرید این نتیجه را عنوان می‌کند که فرد در محیطی قرار گرفته که محدوده‌های کالبدی (دیوارها) فضای متمایز داخلی (راهروها) و اشیاء (مواد غذایی) را در خود دارد. فرد در یک نظام رفتاری قرار گرفته که در آن نقش دارد

و آن نظام نیز فعالیت او را در فروشگاه تأمین می‌کند. بازار سلسله‌ای از رویدادها و برنامه‌های خریدوفروش را در خود دارد. این رفتارها، الگوی جاری رفتار را شکل می‌دهند.

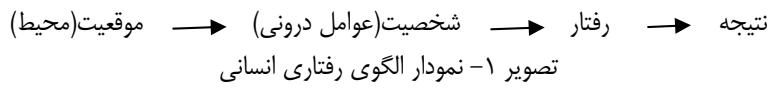
برولین و زیسل در مطالعات خود نشان داده‌اند که از طریق مشاهده می‌توان غنای رفتارهای یک گروه از مردم را تشخیص داد و آن‌ها را در یک ساختمان یا مجموعه‌ای از ساختمان‌های جدید جای داد. در طرح اجراسده یک آسایشگاه توسط "چارلز هولوهان و سوزان زیگرت" نشان داده شده است که قرار دادن دیوارهای کوتاه در بین تخته‌های بیماران، ضمن ایجاد قلمرو مکانی روشن برای هر بیمار، تعامل اجتماعی بین بیماران و کارکنان و ملاقات‌کنندگان را افزایش داده و رفتارهای منفی چون خواهدیدن طولانی بیماران را کاهش داده است. به‌طور کلی قرارگیری دیوارهای کوتاه به عنوان عامل تأثیرگذار بر شکل گیری رفتار افراد به حساب می‌آید.

مبانی نظری

جغرافیای رفتار فضایی: جغرافیایی رفتاری، در زمینه شیوه‌هایی که در آن مردم ادراک می‌کنند، سپس واکنش مطلوب نشان می‌دهند و در نهایت در محیط‌شان تأثیر می‌گذارند، به بررسی می‌پردازد. گشتالت، عبارت است از هستی یا کل سازمان یافته‌ای که در آن، اجزاء هرچند از هم قابل تشخیص‌اند اما وابسته به یکدیگرند و خصوصیاتی دارند که در نتیجه مندرج بودنشان در کل به وجود می‌آیند و کل دارای خصوصیاتی است که به هیچ‌یک از اجزاء آن تعلق ندارد. بدین قرار گشتالت واحدی را تشکیل می‌دهد که از محیط خود جدا شده باشد. پس در گشتالت بر خواص کل‌ها تأکید می‌شود که از اجزاء متمایزند. سه روانشناس معروف مکتب گشتالت هر یک به نحوی در تحولات جغرافیای رفتار فضایی مؤثر بوده‌اند عبارت از: ماکس ورتایم، روانشناس آلمانی (۱۹۴۳-۱۸۸۰) کورت کافکا (۱۸۸۶-۱۹۴۱) و لفگانگ گهله (۱۸۸۷-۱۹۶۷). در سال ۱۹۵۲ زمانی که ویلیام کرک از بنیان‌گذاران جغرافیای رفتار فضایی برای اولین بار شکل‌واره محیط رفتاری را مطرح ساخت، علم جغرافیا در جهت شناخت محیطی و رفتار فضایی انسان با روانشناسی گشتالت ارتباط برقرار کرد. در این باره ویلیام کرک چنین می‌گوید: آنچه که ما در اندیشه‌های ایمان نیاز داریم تا بتوانیم طبیعت و بشریت را تحت پوشش یک رشته علمی قرار دهیم تنها با پذیرش حوزه روانشناسی گشتالت، می‌توانیم به این امر دست یابیم. شاید این تأکید بر اساس مخالفت مکتب گشتالت با ذره نگری، جزء‌نگری و عنصرنگری بنیان گرفته بود. نتیجه آن که جغرافیا و روانشناسی، هر دو روابط انسان و محیط را مطالعه می‌کنند. در جغرافیا شناخت محیط، در جهت بهره‌گیری بهینه انسان از محیط و تحلیل رفتار انسان در محیط مورد تأکید است. برای جغرافیدان، تصویر ذهنی به منزله یک میانجی میان انسان و محیط عمل می‌کند. بدین‌سان که در جغرافیای شخصی، افراد یا گروه‌ها در جستجوی اطلاعاتی از این تصویر ذهنی می‌باشند، تا همشکلی و همخوانی آن را با جهان عینی واقعی بیابند. در واقع، روانشناسی - تصویر ذهنی برای جغرافیدان همان میانجی یا صافی است و پدیده‌های جغرافیایی چیزی است که از این صافی عبور داده می‌شود. در جغرافیای رفتار فضایی، در اغلب گرایش به جبر محیطی اشاره می‌شود. جبر محیطی علت اساسی افتراق در شیوه زندگی انسانی را در شرایط محیط طبیعی جستجو می‌کند. شیوه زندگی که در جغرافیای رفتاری مورد تأکید است. اول بار از طرف ویدال دولاباش مطرح گردید. اندیشه شیوه زندگی یکپارچگی و ترکیب عوامل محیطی اجتماعی و دانش فنی را بیان می‌دارد. (شکوئی، ۱۳۸۷)

مفهوم رفتار، رفتار فضایی و انگیزش رفتار: توجه به رفتار انسان و نقش آن در محیط با استفاده از اندیشه‌ها و نظریه‌های روانشناسی وارد قلمرو جغرافیای رفتاری گردید. بیش از همه افکار ژان پیاژه روانشناس معروف در آغاز کار مورد توجه جغرافیدانان قرار گرفت. بر این اساس افراد اطلاعات به دست آمده از محیط فیزیکی و اجتماعی را جذب و همسان‌سازی نموده و با بازنمائی‌های روان‌شناختی منحصر به فرد خود به عنوان نقشه‌ی ذهنی یا نقشه شناختی آن را مبنای عمل و رفتار خود در فضا قرار می‌دهند. جان گرتلند رایت می‌گوید: ما در محیط بیشتر بر اساس باورها و عقایدمان عمل می‌کنیم تا در ارتباط با اطلاعات عینی خود. بیان یک مثال به روشن شدن موضوع کمک می‌کند، شهر وندی که در یک شهر بزرگ زندگی می‌کند به تدریج یک نقشه شناختی از آن شهر پیدا می‌کند که رفتار آن فرد را در شهر تنظیم می‌نماید. این نقشه شناختی یک تصور ذهنی از ترکیب عوامل ثابت کالبدی و فیزیکی، نظیر چگونگی ساختمان‌ها، معابر و توپوگرافی شهر با عوامل متحرک شهر، چون مردم و فعالیت‌ها، فرهنگ و معاشرت آثار و خاطرات و معانی که از شهر دریافت نموده است. یعنی یک شهر وند شناختی که از شهر به دست می‌آورد حاصل مشاهدات شهر، همراه با پس‌زمینه‌های ایدئولوژیکی خودش است که درواقع تصویر ذهنی وی حاصل ترکیبی، مشاهده و احساس اوست. بر پایه‌ی تفکر پیشگامان جغرافیای رفتار فضایی، انسان‌ها مطابق ادراک حسی محیط برگرفته از حواس پنج گانه و نقشه‌های ذهنی خود عمل می‌کند و نه بر اساس شرایط محیطی. در جغرافیای رفتار فضایی، ادراکات حسی ما که رفتار را تنظیم می‌کند، همان واقعیت‌های قابل قبول ما از

محیط فیزیکی و اجتماعی می‌باشند که درواقع نقشه ذهنی ما را از محیط می‌آفیند. بنابراین تصویر ذهنی بهمثابه یک صافی بین جهان واقعی و جهان ادراکی عمل می‌نماید، به این مفهوم که ما فقط بخش‌هایی از جهان واقعی را درک می‌کنیم که بهصورت نقشه ذهنی ما درآمده باشد.



رفتار فضایی مردم تا حدودی تحت تأثیر تصاویر ذهنی از ساختار محیط است. ساختار محیط به میزان زیادی بر جهت‌بایی مردم در میان ساختمان‌ها- محله‌ها و شهرها اثر می‌گذارد. مسیر بعضی از محیط‌ها آسان‌تر از محیط‌های دیگر است. جنبه‌های اجتماعی و روانی جهت‌بایی عوامل مهمی در احساس امنیت فردی است. یک طرح معماري از طریق قابلیت‌های خود در زندگی مردم دخالت می‌کند. به‌هرحال مردم تنها به دلیل اینکه محیط مجموعه‌ای از قابلیت‌ها را برای فعالیت‌هایی دارد که ازنظر سیاست‌گذاران یا طراحان برای مردم مفیدند، یا ویژگی‌های زیباشناختی دارد که ازنظر طراحان تعالی بخش هستند، به آن محیط واکنش خوشایند نشان نمی‌دهند. همه مردم قابلیت‌های محیط را به یک‌شکل دریافت نمی‌کنند. محیط مؤثر برای مردم مختلف، متفاوت است. نتیجه تصادفی بودن تفاوت‌ها این است که طراحی می‌تواند بعضی رفتارها را تسهیل کند و بعضی رفتارهای دیگر ممانعت به عمل آورد. این یک نظر امکان گراست. اینکه کسی از امکاناتی استفاده کند یا نکند، کسی از نگاه کردن به ترکیب خاصی از معماری خشنود می‌شود یا نمی‌شود و چه کسی به معماری واکنش مثبت یا منفی نشان می‌دهد، قابل پیش‌بینی است. تعداد کمی از این پیش‌بینی‌ها را می‌توان با قطعیت انجام داد. نظریه محیط عملی جبری نیست. (جان لنگ، ۱۳۹۰)

تصاویر ذهنی و رفتار فضایی: بین نظام فعالیت‌ها و تصاویر شناختی مردم از محیط کالبدی همبستگی زیادی وجود دارد. هر تغییری در تصور محیط در ادراک مردم، از عناصری چون فروشگاه‌ها، پارک‌ها و دیگر امکانات شهری انکاس یافته، یا آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد (Lee 1962, Brennan 1977). ادراک فواصل مکان‌ها، تحت تأثیر عواملی چون هندسه راه‌هاست. مسیری که منحنی است یا تقاطع زیاد دارد نسبت به مسیری که همان طول را دارد ولی مستقیم است طولانی‌تر به نظر می‌رسد. این تفاوت ادراک، تا حدودی نشان می‌دهد که چرا مردم در فروگاه‌ها و توقفگاه‌های مراکز خرید منطقه‌ای و درجاهایی که فواصل دور، در معرض دید هستند، آمادگی پیمودن مسیرهای طولانی‌تری را دارند (Pocock and Hudson 1978). حتی اگر فواصل مساوی باشند، عناصر خوشایندی چون پارک‌ها، نسبت به عناصر ناخوشایندی چون بزرگراه‌ها به نقاط ایستگاهی نزدیک‌تر به نظر می‌رسد (Lowery 1973). چنین مشاهداتی می‌توانند به عوامل شخصیتی و حالات فردی بستگی داشته باشند. مثلاً فرد خوشین ممکن است پارک را نزدیک‌تر احساس کند درحالی که فرد بدین ممکن است عناصر غیرخوشایند را نزدیک‌تر بینند. باید توجه داشت که این گونه نتیجه‌گیری‌ها کاملاً نظری‌اند. حتی روشن نیست که فواصل شناختی، نتیجه ساختار محیط هستند یا نتیجه رفتاری که توسط آن دریافت می‌شوند (Briggs 1973). از آنجاکه شکل‌گیری تصویر ذهنی، فرایندی دوطرفه بین شخص و محیط است، امکان تقویت تصور یک مکان خاص، از طریق بالا بردن قابلیت‌های شخصی یا از طریق قابل تشخص ساختن سازه محیط وجود دارد. طریق اول با آموزش مشاهده‌گر محیط، و طریق دوم با نشانه‌گذاری بیشتر مسیرها و مکان‌ها یا تغییر سازمان‌دهی کالبدی شهر، محله یا بناها به دست می‌آید. گاهی اوقات روش دوم در مقیاس معماري داخلی کاربرد دارد و از طریق نشانه‌ها و علائم به جهت‌بایی مردم کمک می‌شود. نشانه‌گذاری کاربرد آسان‌تری دارد ولی باید مراقب بود که ضمن اینکه نشانه‌ها درست طراحی شوند با اطلاعات بیش از حد در محل در محیط سردرگمی ایجاد نشود. در مکان‌هایی که سرعت حرکت بالاست، باید به این نکته توجه بیشتری شود (Nagah 1984). نقشه‌های معماري و شهری و نشانه‌ها، عوامل نمادین خوبی برای بالا بردن توانایی جهت‌بایی مردم هستند. مثال آن، نقشه شبکه حمل و نقل زیرزمینی لندن است. این روش در معروفی سیستم حمل و نقل زیرزمینی نیویورک ناموفق بوده است. استفن کار (1967) استفاده از تابلوهای اطلاعات برنامه‌ریزی شده در نقاط بالهمیت را که سریع ترین و واضح‌ترین مسیرها را نشان می‌دهند توصیه کرده است. از این نوع تابلوها در بعضی از شهرها استفاده شده است. همگام با ایجاد وضوح و خوانایی بیشتر در ساختار محیط برنامه‌هایی نیز جهت آموزش مردم و توجه دقیق‌تر به محیط تدوین شده است. این برنامه‌ها به صورت‌های مختلفی تنظیم شده‌اند. بیشتر آن‌ها تمرین‌هایی هستند که مردم را از طریق پرسش‌هایی در مورد ویژگی‌های بناها، محله‌ها و شهرهایی که در آن زندگی می‌کنند به فکر کردن در مورد محیط اطرافشان ترغیب می‌کنند. بعضی از این برنامه‌ها، کودکان را مدنظر دارند (از قبیل گروه آموزشی محیط 1971) و بعضی دیگر برای بزرگسالان تدوین شده‌اند (Eriksen 1975). داشتن تصویری روشن از محیط، درک بهتر قابلیت‌های

جهان اطراف را میسر می‌سازد. استفن کار(۱۹۶۷) معتقد است که افزایش ارتباط مردم با قرارگاهها و مکان‌های رفتاری و ایجاد روابط متقابل با دیگران آشنایی و وابستگی به مکان را رد داده و بنیان‌هایی عاطفی آن را مستحکم می‌سازد و اضطراب مردم را در محیط تقلیل می‌دهد. (جان لنگ، ۱۳۹۰، ۱۶۲-۱۶۳)

محیط کالبدی و رفتار فضایی: محیط‌های طراحی شده توسط معماران می‌تواند با دارا بودن قابلیت‌های لازم در سطوح مختلف شایستگی‌های مردمی، تأمین کننده نیازهای آنان باشد. رفتار فردی و گروهی به شایستگی مواجهه با محیط مبتنی است. بسیاری از ویژگی‌هایی که در توانایی فرد برای مواجهه شدن با محیط نقش دارند به سختی قابل اندازه‌گیری‌اند. درک توانایی‌های فیزیکی، همچون نیروی محرکه نسبتاً آسان است، ولی درک معانی فرهنگی و رفتارهای وابسته به آنها به مرتب مشکل‌تر و بحث برانگیزتر است. در راستای این نظر می‌توان گفت که ممکن است دو شخص در یک محیط کالبدی رفتارهای متفاوتی با توجه به توان‌های ممکن در آن محیط کالبدی از خود بروز دهد. لذا حاصل نهایی تعامل بین انسان و محیط کالبدی تنها از طریق انتلاق رفتار با محیط میسر نیست بلکه همزیستی بین رفتار و محیط کالبدی نتیجه همبستگی مشروط بین این دو به واسطه تصمیم و انتخاب نهایی انسان بر اساس توانایی‌های جسمی و فکری او، نیازهایش و واسطه‌ها و هنجارهای اجتماعی و فرهنگی است. (مطلوبی، ۱۳۸۰، ۶۱). طرح یک محیط، رفتار را به طرق دیگری نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. رفتار در ساختمان‌ها و شهرها فقط عملکردی از قرارگاه‌های رفتاری قابل مشاهده آن نیست، بلکه عملکردی از قرارگاه‌های رفتاری خارج از ادراک انسان نیز هست. رفتار، عملکردی از تصاویر شناختی ما از ساختمان‌ها و شهرهای است. این به آسانی و سختی یافتن راههای اطراف انسان نیز ربط دارد. متقابلاً فعالیت‌ها نیز تصاویر ذهنی انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهند. ساختار کالبدی محیط بر این تصاویر اثرگذار است. نشان دادن چگونگی اثرگذاری طرح یک محیط بر تصور انسان از آن محیط و چگونگی اثرگذاری این تصورات بر الگوهای رفتار فضایی و چگونگی اثرگیری از آنهاست. مسائل مربوط به جهت‌یابی و دانستن اینکه فرد کجاست و چگونه می‌تواند به سمت مقصد حرکت کند، با نیاز به امنیت و احساس تعلق که توسط مازلو مطرح شده و با (امنیت روانی) محیط ساخته شده که توسط استیل طرح شده، مرتبط هستند. ساختمان‌ها، فضاهای سبز باز و طراحی‌های شهری که الگوهای حرکت انسان را به خوبی در نظر گرفته‌اند، به ضرورت توسط افرادی که در آن محیط‌ها زندگی می‌کنند این‌گونه دریافت نمی‌شود. رفتارهای ناخودآگاه دیگری وجود دارند که تحت تأثیر محیط ساخته شده هستند. مطالعات مربوط به خلوت، فضای شخصی، قلمروپایی که با تحقیق ادوارد هال در کتاب بعد پنهان(۱۹۶۶) آغاز شد به میزان قابل توجهی درک ما را نسبت به الگوهای اتاق‌ها، ساختمان‌ها و مجموعه‌های ساختمانی که در آنها مردم احساس آسایش روانی می‌کنند بالا برده است. نکته مطالعات هال، سامر و آلتمن این است که طرح کالبدی محیط، الگوهای تعامل مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهد. (جان لنگ، ۱۳۹۰، ۱۲۵). هم ساختی رفتار و محیط به‌سوی ساختار داخلی خالص قرارگاه رفتاری توسعه می‌یابد. اینجا شباhtی در ساختار محیط و ساختار الگوی جاری رفتار در حدود قرارگاه است. برای مثال، در آرایشگاه صندلی آرایشگر، آینه‌ها و لگن مخصوص شست‌وشوی سر(محیط) همه طراحی شده، شکل پذیرفته و ساخته شده برای حمایت و متناسب بودن با الگوهای جاری رفتار هستند: کوتاه کردن موها، طراحی کردن و شست شوی سر. اجزاء محیطی و رفتاری مستقل چیده نمی‌شوند. در اینجا یک شایستگی ضروری بین آن‌ها وجود دارد. معماران، و مهندسان بیشتر اوقات برای خلق ساختارهای کالبدی که مناسب، حمایت‌کننده و تسهیل‌کننده این الگوهای رفتاری ویژه می‌باشند، خدمات بسیاری متحمل می‌شوند (schoggen 1989).

مفاهیم اساسی در تعامل محیط کالبدی و رفتار فضایی: دروان شناسی محیط مهم‌ترین اهداف طراحی آگاهی از تأثیر محیط کالبدی بر رفتار، تجربه، احساسات، نگرش‌ها و کنترل اقلیم، حریم‌ها و تعاملات در جهت رضایتمندی و خوشنودی استفاده کنندگان است. پنج مرحله برنامه‌ریزی، طراحی، اجراء، استفاده و ارزش‌گذاری وجود دارد(zeiset 1981) که با استفاده از روش‌های روان‌شناسی محیط می‌توان به بررسی و ارزش‌یابی آنها برای برنامه‌ریزی و طراحی پرداخت. در یک محیط کالبدی و در یک زمان خاص و موقعیت ثابت، رفتار انسان نیز ثابت است و الگوهای خاص رفتاری را می‌توان برای آن محیط ارائه کرد. چگونگی رفتار انسان در ارتباط با محیط کالبدی نشان‌دهنده تنوع در رفتار در هر لحظه معین و تغییرپذیری مداوم در هر فضای خاص است. محیط کالبدی یک نظام بسته نیست و حدود و مزهای آن در فضا و زمان ثابت نیست. رفتار در یک محیط کالبدی پویا است و تغییر در هر مرحله تأثیرات مختلفی بر سایر مؤلفه‌های آن دارد و بدین ترتیب باعث تغییر در الگوهای رفتاری آن محیط می‌شود، وقتی یک تغییر در قرارگاه رفتاری مانع بروز الگوی رفتاری خاص در آن محیط شود، آن رفتار خود را در زمان و مکان جدیدی بروز می‌دهد. همچنین تغییر در ساختار کالبدی اجتماعی یا اداری خاص یک قرارگاه باعث تغییرات در الگوهای رفتاری مشخص آن قرارگاه رفتاری می‌شود. بنابراین محیط، یک

فرآیند فعال و مداوم از مؤلفه‌های آن است و در این فرایند هر مؤلفه در یک لحظه معین محیط را تعریف کرده و خود نیز توسط آن تعریف می‌شود. هر جزء محیط هم تحت تأثیر جوانب محیط واقع شده و هم بر سایر جوانب محیط اثر می‌گذارد، هر محیط در هر زمان و مکان معین منحصر به فرد است. مطالعه فرآیند محیطی به دو بخش شرکت‌کننده و سایر اجزای محیط تقسیم می‌شود. چراکه به‌اندازه مؤلفه‌هایی که در فرآیند محیطی قابل مطالعه هستند، در محیط اطراف وجود دارد. از نظر شرکت‌کنندگان در فرآیند محیطی، معمولاً محیط اطراف ختنی به نظر می‌رسد و فرد فقط وقتی از آن آگاهی می‌یابد که محیط از یک سطح انطباقی منحرف گردد. اگرچه شرکت‌کنندگان عمدتاً از محیط اطرافشان غافل می‌مانند ولی محیط تأثیر قابل توجهی بر رفتار آن‌ها دارد. بر اساس نتایج این پژوهش مسائل و نظریاتی مطرح شده است که مسائل قابل بررسی و مرتبط با محیط کالبدی را می‌توان به طور کلی با موضوعات زیر دسته‌بندی کرد:

۱- تفاوت‌های فردی و طراحی: افراد از یکدیگر متفاوت‌اند ولی در میان گروه‌های مختلف افراد تشابه‌های زیادی وجود دارد. تفاوت‌های فردی در روان‌شناسی محیط در تفاوت‌های شخصی است، که اندازه‌گیری آن می‌تواند در توضیح مطالعه و پیش‌بینی رفتارها مفید باشد.

۲- ویژگی‌های اقلیمی: حرارت زیاد، نور، رنگ و آلودگی آب و هوای علتهای ناراحتی و منابع استرس هستند. رنگ‌ها، صداها، حرارت و کیفیت آب و هوای عواملی هستند که باعث بهبود تجربه و رفتار افراد می‌شود.

۳- کنترل دسترسی به خود: فضای شخصی، قلمرو و ازدحام، عناصر واسطه به جنبه‌های کنترل دسترسی به خود هستند. فرد به تعامل اجتماعی و احساس این که پشتیبانی اجتماعی می‌شود نیاز دارد و این ادراک از واقعیت‌های اجتماعی و از میان فرآیند تحقیق و مطالعه اجتماعی حاصل می‌شود. از سوی دیگر فرد نیاز به تنها بودن و کنترل قلمرو خلوت خود در مقابل ازدحام دارد و وقتی این کنترل از بین رود مشکلات روانی پیدی می‌آید. از این‌رو طراحی محیط می‌تواند اثرات مثبتی داشته باشد.

۴- تعاملات اجتماعی: فرد نمی‌تواند مکانی را برای فعالیت گروهی پیذیرد مگر این که هویت و حس گروهی مشترکی در آن‌ها به وجود آمده باشد. تک‌تک اعضای گروه به فضایی فردی برای کارهای شخصی نیاز دارند. در عین حال محیط کالبدی باید فضایی را فراهم آورد که روابط متقابل اجتماعی موردنیاز گروه را نیز تأمین نماید (CASSIDY 1997). محیط کالبدی باید شرایط تعامل اجتماعی مطلوب را برای استفاده افراد فراهم کند.

۵- احساسات و ادراکات: علاوه بر اندازه، شکل استفاده از فضا و کنترل دسترسی به خویشتن مواردی نظیر آسایش حرارتی رنگ، بو و صدا برای یک مکان بالهمیت است. فضا و حس مکان که موضوع سطوح تعلق به مکان‌اند در ایجاد مکان بسیار مهم هستند. تحقیقات اندکی در معنای مکان و احساسات مکان برای افراد انجام شده است و پژوهش در معنای تعلق به مکان و هویت مکان می‌تواند اطلاعات مفیدی برای معماران و طراحان فراهم آورد (CASSID 1997) (فلاحت، ۱۳۸۳، ۶۶-۶۹).

تمهیدات ساختار کالبدی

تمهیدات کالبدی، می‌تواند باعث ایجاد برخی از الگوهای رفتاری شوند و از برخی دیگر جلوگیری کند. به عنوان مثال: یک راهروی باریک تنها امکان ایجاد موقعیتی در جهات خاص را فراهم می‌سازد. باریک بودن آن مانع انجام فعالیت‌هایی که نیاز به فضاهای وسیع دارند می‌شود. نبودن صندلی‌ها یا طاقچه‌ها باعث ایستادن و راه رفتن می‌شود و مانع نشستن یا خوابیدن می‌شود. طرح خیابان‌ها، پیاده‌روها، اندازه و ترتیب اتاق‌ها و چگونگی توزیع مبلمان و اثاثیه، اغلب عوامل مهمی در ایجاد ویژگی‌های خاصی از الگوهای جاری رفتار و در محدود کردن برخی دیگر به حساب می‌آیند. نیروهای کالبدی و ادار کننده و بازدارنده رفتار نباید مثل دیواری که نمی‌توان در آن نفوذ کرد بی‌قید و شرط باشند. در این موارد نیروهای کالبدی رفتار را شکل می‌دهند تا متناسب با قالب‌ش باشد. ویژگی‌های کالبدی اشیاء نیز الگوهای رفتاری خاصی را ایجاد و تحریک می‌کنند. یک تپ گرد می‌شود، پرتاب می‌شود و بالا و پایین می‌پردازد. موسیقی باعث ایجاد رفتار ریتمیک می‌شود، پیشرفت ریز کامپیوترها، الگوهای رفتاری جدیدی را در سیاری از افراد ایجاد کرده‌اند. آنها اغلب برای کاربران به یک شی رفتاری و سوسه‌انگیز تبدیل می‌شود. سیاری از همساخت‌های محیط رفتار، که یک قرارگاه رفتاری را تشکیل می‌دهند ناشی از اجرار خصلت‌های کالبدی رفتار اشیایی است که در این قرارگاه موجود هستند. (Richard 1975).

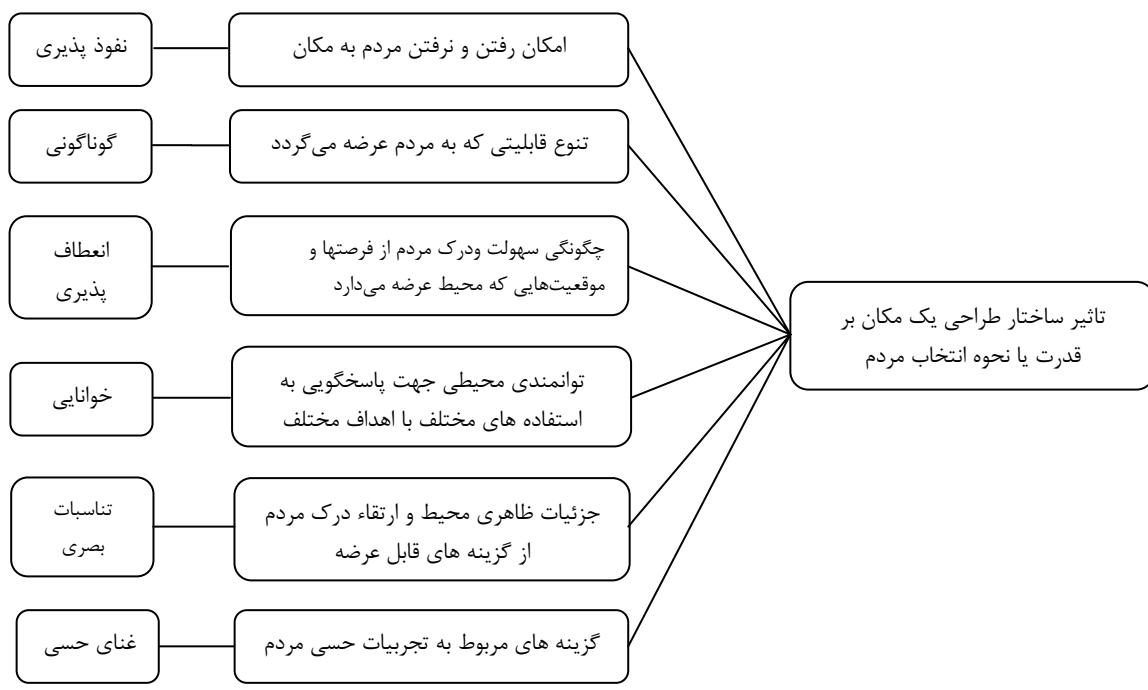
۱- فرآیندهای فیزیولوژیکی: بدون تردید، مکانیسم‌های رفتاری ذاتی در انسان‌ها وجود دارد که به‌وسیله اجرارهای مکانیکی به برخی از ویژگی‌های محیط کالبدی-جغایایی پاسخ می‌دهند. باد سرد فرج‌بخش، فرد را به جست‌و‌خیز وامی دارد، کند بودن و تبلی را طرد می‌کند. یک کلاس بسیار گرم، خواب‌آلودگی و حتی سستی را افزایش می‌دهد. تحقیق نشان داده است که سروصدما مانع پیشرفت

شناختی می‌شود. (Dma, Bad, Sroosda, Nour و Rosnabi, 1989). از عوامل اصلی اثرگذار بر رفتار فضایی افراد در فضا هستند.

۲- فرآیندهای معماری: یک عامل مهم در شکل‌گیری الگوهای جاری رفتار در یک قرارگاه رفتاری تأثیر اجباری ناشی از برداشت از شکل‌های ظاهری محرك است که از محیط کالبدی-جغرافیایی نشأت گرفته است. بچه‌ها در همه‌جا به دنبال یک محیط مسطح و صاف و عاری از موائع، مثل یک سالن ورزشی مدرسه یا یک مزرعه‌ی برهنه کاملاً دور شده، همچنین یک مکانی برای دویدن و جنب‌وجوش در یک فعالیت بی‌برنامه و شاد می‌گردد. این ویژگی‌های محیطی بدوسیله برداشت ظاهر می‌شوند تا این نوع رفتار را ایجاد کنند. فضاهای باز بچه‌ها را وسوسه می‌کنند. درست مثل یک توپ که دویدن و جست‌و‌خیز کردن را ترغیب می‌کند. این شرایط با این ویژگی‌های وسوسه کننده و درک شده ایجاد می‌شود. نمایش و ترتیب کالا در مغازه‌ها، نظم مراسم، عبادت در کلیسا، جشن عروسی، راهنمای ترسیم شده در خیابان‌ها، مبلمان موجود در خانه‌ها، همگی طراحی شده‌اند تا رفتاری با الگوی مناسب بپیدند آورده (schoggen 1989). (فرم، رنگ، جنس مصالح، بافت، چیدمان و مکان‌یابی مؤثر، رعایت مقیاس و تناسبات انسانی، فاصله، روابط و زیبایی‌های بصری) از مهم‌ترین عوامل مؤثر در ساختار کالبدی هستند که رفتار فضایی افراد در فضا را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

مولفه‌های کالبدی اثرگذار

از نظر فریتز استیل مهم‌ترین عوامل کالبدی مؤثر در ادراک مکان، درجه محصوریت، تضاد، مقیاس، تناسب، مقیاس انسانی، فاصله، بافت، رنگ، بو، صدا و تنوع بصری است (Steel 1981). او همچنین خصوصیاتی نظریه‌های تاریخ، تخلیل و توهم، راز و رمز، لذت، شگفتی، امنیت، سرزندگی و شور و خاطره را موجب برقراری رابطه متمرکز با مکان می‌داند. بنتلی و همکارانش در کتاب محیط‌های پاسخ‌ده آیتم‌های زیر را عوامل کالبدی مؤثری می‌داند که در ایجاد یک مکان و محیط ایده‌آل و پاسخ‌ده به مردم کمک می‌کند: (نفوذپذیری (دسترسی)-گوناگونی (تنوع کاربری‌ها)-خوانایی (در فرم و عملکرد)-انعطاف پذیری-تناسبات بصری-غنای حسی و رنگ تعلق (بنتلی، ۱۳۸۲)، (۴) محیط کالبدی می‌تواند از جنبه‌های متفاوتی بر قدرت یا نحوه انتخاب مردم تأثیر بگذارد. در این زمینه سه کیفیت اساسی بیان شده است. (انعطاف‌پذیری، نفوذپذیری، گوناگونی).



۱- مؤلفه عملکردی: از یکسو دربرگیرنده تأمین حرکت و دسترسی سهل و مناسب پیاده‌ها و سواره‌ها به مراکز جاذب شهری است و از سوی دیگر برخلاف آموزه‌های مدرنیسم که نقش عملکردی فضاهای شهری را به کanal ساده‌ای برای رفت و آمد تقلیل می‌دهد،

دربرگیرنده عملکردهای دیگر همچون تفریح غیرفعال، تماشای مردم و مراسم گوناگون، غذا خوردن و گفتگو، روزنامه خواندن، ملاقات با دوستان نیز بوده تا ضمن این سرزنشی و غنای تجربه فضایی شهر گردد.

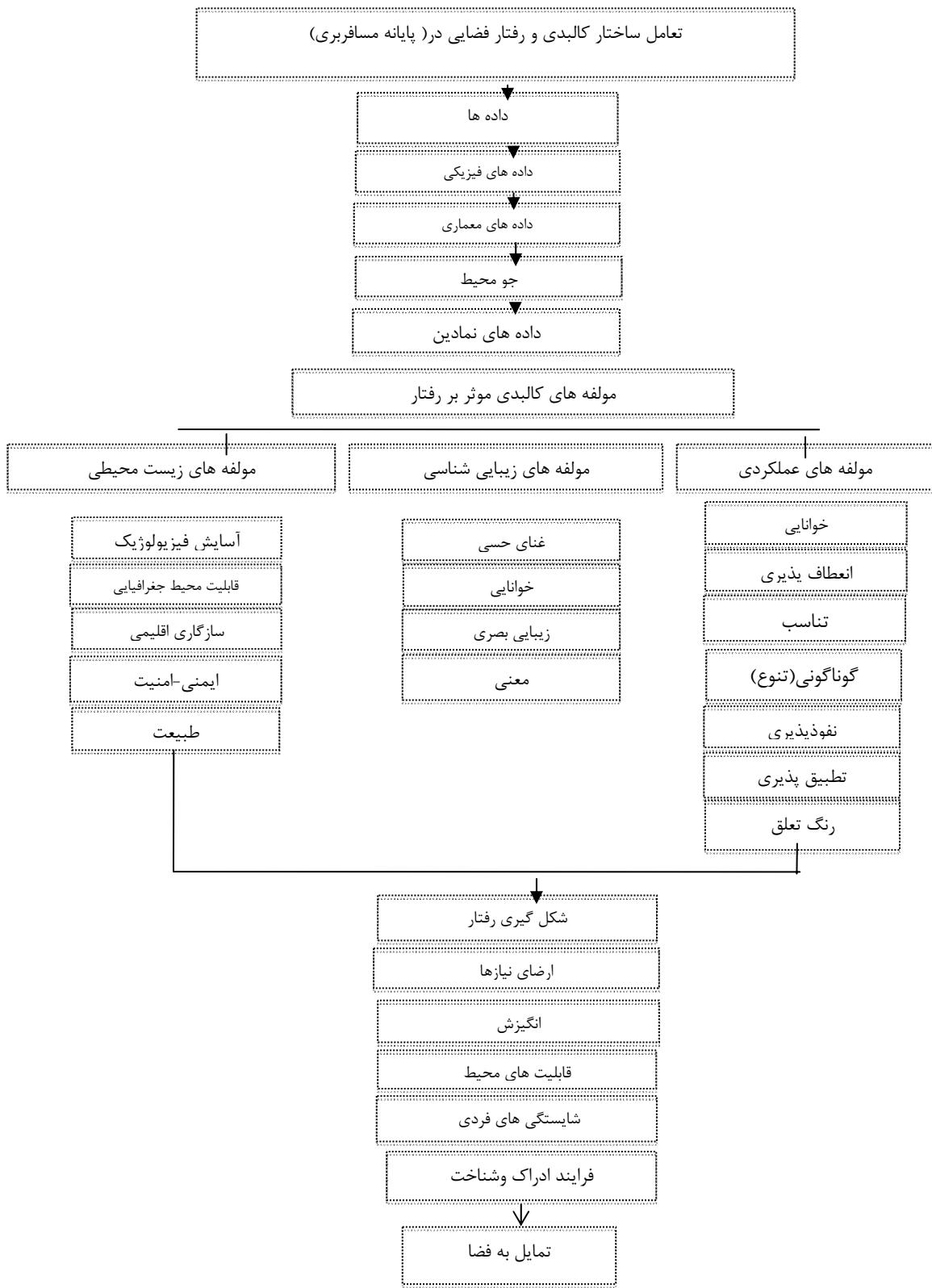
۲- مؤلفه تجربی- زیباشناختی: کیفیت شهری به دریافت‌های ادراکی، شناختی و ترجیحات محیطی افراد در قبال فضاهای شهری سروکار دارد.

۳- مؤلفه زیستمحیطی: کیفیت طراحی شهری در بعد خرد آن دربرگیرنده مقولاتی همچون تنظیم اقلیم خرد فضاهای شهری (آفتاب، جریان هوای سایه گیری و...) و در بعد کلان دغدغه پایداری زیستمحیطی را داشته و باکیفیت تعامل بر بوم‌شناسی محیط شهری و چگونگی استفاده از منابع طبیعی اعم از زمین، آب و... در رابطه با طرح‌های شهری سروکار دارد. (گلکار، ۱۳۸۰، ۵۴)

معرفی نمونه موردی (پایانه مسافربری استان همدان)

مطالعات پایه در ارتباط با پایانه‌ی مسافربری در استان همدان در این بخش شامل، شناخت وضع موجود، تحلیل و ارزیابی است. هر چه شناخت دقیق‌تر صورت گیرد، درنتیجه ارائه راهکارها مؤثرتر واقع خواهد شد. پایانه موردنظر واقع در استان همدان، میدان عاشورا-حدفاصل دو خیابان ملت و انقلاب، در مسیر حرکتی جاده ارتباطی به استان تهران قرار دارد. سایت موجود تقریباً به‌تمامی نقاط استان دسترسی مناسب داشته و مساحتی معادل ۱۷۰۰۰ مترمربع را دارا است. تعاملات کاربران در محیط نظامهای فعالیت و فضاهای فعالیت در راستای هدف پژوهش موردمطالعه قرار گرفته و این مجموعه، جهت بررسی و ارزیابی انتخاب شده است. مطالعه نمونه موردی بر اساس طرح مصاحبه‌های هدفمند، تحلیل نمونه‌ی کالبدی بر اساس مشاهدات عینی عمیق، مصاحبه با کاربران (کارکنان- مسافران- رانندگان) به‌صورت هماهنگ و تلفیقی صورت گرفته است. تجزیه و تحلیل اطلاعات با استفاده از عقل و منطق و اندیشه و استدلال بوده و استناد، مدارک و اطلاعات را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته و واقعیت کشف شده است. با توجه به هدف و چارچوب اصلی تحقیق وجوه مطالعاتی به‌منظور مطالعه نمونه موردی به این شرح انتخاب شده‌اند: ۱- یافتن داده‌ها و مؤلفه‌های ساختار کالبدی و شکل‌گیری رفتار فضایی. ۲- شناسایی عوامل کالبدی کلیدی که بیشترین تأثیر را بر رفتار فضایی افراد دارند (بررسی این عوامل در پایانه مسافربری استان همدان). ۳- گروه‌بندی کاربران بر اساس نحوه استفاده از فضا، بررسی و شکل‌گیری رفتار فضایی افراد با توجه به عناصر کالبدی موجود در مجموعه و شکل‌گیری تصویر ذهنی از فضا.

بیان داده‌ها و مؤلفه‌های ساختار کالبدی در پایانه و شکل‌گیری رفتار فضایی: بررسی رفتارهای فردی و اجتماعی افراد با توجه به میزان اثرات ساختار کالبدی محیط بر آن، طراح را در ارائه راهکارهای مناسب و مؤثرتر در طراحی سوق می‌دهد. تعامل ساختار کالبدی محیط و انسان و درنتیجه آن شکل‌گیری رفتار فضایی در فضا از طریق داده‌های فیزیکی محیط (نور، رنگ، سروصدا و...)، داده‌های نمادین محیط (ارزش‌های فرهنگی)، داده‌های معماری محیط (شرایط فیزیکی) و جو محیط (شرایط محیطی) شکل می‌گیرد. ساختار کالبدی، باید توانایی پاسخگویی به سه مؤلفه تجربی، زیباشناختی و زیستمحیطی را که هر کدام از زیرمجموعه‌های مشخصی برخوردار هستند را داشته باشد، که در بالا بردن سطح کیفیت محیط و رضایت مردم از فضا و عملکرد قابل ارائه آن مؤثر است. به‌طور کلی پایانه مسافربری به عنوان یک ساختار کالبدی اجتماعی که شامل عناصر و فضاهای فرعی که در کنار یکدیگر کلیت طرح را شکل می‌دهند، به نسبتی که قابلیت‌های عرضه شده در آن بیشتر بوده و سازماندهی مناسب و برنامه‌ریزی شده‌تری داشته باشد، افراد بر اساس انگیزش‌های درونی در جهت رفع نیازهای خود با توجه به قابلیت‌های محیط و شکل‌گیری فرایند ادراک و شناخت نسبت به محیط واکنش نشان می‌دهند. برخورد افراد با فضا متفاوت است و ما نمی‌توانیم یک الگوی ثابت از رفتار افراد با یک فضای خاص را ارائه داده و جزئیات رفتار افراد را کنترل و یا پیش‌بینی کنیم اما می‌توان با افزایش سطح امکانات و قابلیت‌ها تا حدود زیادی در جلب رضایت افراد موفق بود. به‌طور کلی اگر محیط را مجموعه‌ای از قرارگاه‌های رفتاری بدانیم باید به رابطه درونی الگوهای جاری رفتار- رفتار افراد و محیط ساخته شده و طبیعی دقت کنیم. مطالعه و تحلیل رفتار افراد در قرارگاه‌های رفتاری شناخت جامعه‌تری را از رفتار انسان به دست می‌دهد. مجموع این مطالعات و تحلیل‌ها اثبات‌کننده تفاوت‌های آشکار فردی و گروهی افراد در محیط‌های ساخته شده مختلف است.



تصویر ۳- نمودار و مؤلفه های ساختار کالبدی در پایانه و شکل گیری رفتار فضایی

عوامل کالبدی، که بیشترین تأثیر را بر رفتار فضایی افراد در پایانه دارند: جهت تعیین عناصر کالبدی موثر بر رفتار فضایی با توجه به نتایج حاصل از مطالعات و تحلیل صورت گرفته در بررسی نمونه موردی، مشاهده عینی دقیق و مصاحبه های انجام شده، در جهت آشکار کردن مفاهیم و مضامین و محتوا و تشخیص مواضع و علایق و مقبولیت ها و معدوریت ها به کمک عقل و

منطق و تفکر یافته‌ها مورد تجزیه و تحلیل تفسیر و نتیجه‌گیری قرار گرفته است. در جهت تجزیه و تحلیل عقلانی و منطقی از روش‌های مقایسه، نشانه یابی، معیار یابی، تفاوت و تمایز استفاده شده و بر اساس آن داوری صورت گرفته است. بر این اساس عناصر اثرگذار در زمینه فوق تعیین و سپس مورد تحلیل واقع شده‌اند. این موارد شامل فرم، نور و روش‌نایی، صدا و شلوغی، رنگ، تناسب، چیدمان، جهت یابی و مکان یابی و مصالح است.

گروه‌بندی بهره‌بران بر اساس شکل‌گیری تصویر ذهنی از فضا با توجه به اثرات ساختار کالبدی در شکل‌گیری رفتار فضایی: با توجه به بررسی‌های صورت گرفته در محدوده پایانه و چگونگی رفتار فضایی افراد، می‌توان این گونه عنوان کرد که افراد پس از حضور در فضاء، هر یک بر پایه ویژگی‌های شخصیتی، برداشت‌ها، تصورات ذهنی، علائق و خواسته‌ها و نیازهایشان با محیط رفتار می‌کنند. این افراد را می‌توان به سه گروه تقسیم کرد که هر یک دارای رفتار فضایی متناسب با شرایط و ویژگی‌های درونی خود می‌باشند.

<p>فضای برای این دسته از افراد به دلیل عدم قابلیت‌های خاص مورد نظر بسیار کسل کننده و ناخوشایند بوده و عدم رضایت از سازمان‌دهی مجموعه را به همراه دارد. افراد هنگام قرارگیری در فضا بالا فاصله به محل کار خود رفته و هنگام استراحت و صرف غذا از فضای سبز موجود و یا از سالن انتظار بهره می‌برند.</p>	<p>استفاده دائم از فضا و شکل‌گیری تصویر ذهنی (مشخص)</p>	<p>کارکنان - رانندگان (پایانه: فضای کار)</p>
<p>افراد هنگام قرارگیری در فضاء، ابتدا بلیت مقصد موردنظر را تهیه و سپس در صورت آماده بودن اتوبوس جهت حرکت به محل سکوها رفته و در آنجا منتظر می‌مانند. اگر اتوبوس تأخیر داشته باشد به سالن انتظار نزدیک سکوها رفته و در صورت نیاز از اخذیه‌فروشی و خدمات محدود دیگر استفاده می‌کنند. اما به دلیل نفوذ نور زننده آفتاب در قسمت جلویی صندلی‌های سالن انتظار، افراد قسمت‌های عقب‌تر را جهت نشستن و البته (خوابیدن و استراحت کردن) انتخاب می‌کنند. عدم قابلیت‌ها و تنوع موجود در مجموعه در صورت انتظار افراد به مدت طولانی برانگیز‌ترندی احساس کلافگی و عصبانیت خواهد بود.</p>	<p>استفاده دائم و یا منقطع از فضا و شکل‌گیری تصویر ذهنی (مشخص یا نامشخص)</p>	<p>مسافران ساکن استان (پایانه: فضای ارائه‌دهنده خدمات)</p>
<p>افراد هنگام قرارگیری در فضا اغلب زمان پیاده شدن و تحويل گرفتن وسایل و چمدان‌های خود بدون اینکه به فضای داخلی پایانه وارد شوند، مستقیم به داخل شهر و مقصد موردنظر خود می‌روند. اما در زمان خروج از شهر به پایانه بازگشته و از سازمان‌دهی موجود بهره می‌گیرند. فرم خارجی در نظر این افراد خوشایند و دلنشیز بوده اما سازمان‌دهی داخلی و نبود قابلیت‌های موجود حس رضایت آنها را برنمی‌انگیزد و عدم لذت و دلچسب بودن را به ارمنان می‌آورد. این افراد انتظار در فضای سبز مجموعه را به ماندن در سالن و فضای داخلی ترجیح می‌دهند.</p>	<p>استفاده اولیه و یا منقطع از فضا و شکل‌گیری تصویر ذهنی (نامشخص یا مشخص)</p>	<p>مسافران ساکن استان‌های دیگر (پایانه: فضای ارائه‌دهنده خدمات)</p>

تصویر ۴- نمودار گروه‌بندی بهره‌بران بر اساس شکل‌گیری تصویر ذهنی از فضا

با توجه به اثرات ساختار کالبدی در شکل‌گیری رفتار فضایی

نتیجه‌گیری و ارائه راهکار

در پژوهش انجام‌شده، شناخت و ادراک ما از محیط، نتیجه‌ی جمع‌آوری اطلاعات و داده‌های محیطی، متناسب با نیاز و انگیزش‌های درونی، برگرفته از قابلیت‌های موجود در محیط فیزیکی و نوع برخورد فرد با مؤلفه‌های اثرگذار بر رفتار است. با توجه به شکل‌گیری رفتار در فضا و چگونگی تعامل آن با محیط فیزیکی، می‌توان از میزان اهمیت هر یک از مؤلفه‌ها در خوانایی و شکل‌گیری رفتار فضایی مؤثر و مثبت آگاه شده، تمهیدات و راهکارهای لازم را جهت طراحی فضایی متناسب با ویژگی‌های روان‌شناختی افراد بکار گرفت. با توجه به اینکه افراد علائق و ویژگی‌های شخصیتی متفاوت و متنوعی دارند، نمی‌توان با اطمینان از تأثیر یکسان مؤلفه‌ها بر رفتار فضایی افراد سخن گفت، اینکه آیا کسی از سازمان‌دهی و قابلیت‌های موجود در فضا لذت می‌برد یا نه، تأکید کننده‌ی این نکته است.

نتایج حاصل از این پژوهش به تأثیر غیرقابل انکار محیط کالبدی و ساختار فیزیکی محیط بر رفتار فضایی افراد تأکید داشته و بیان می کند که، میزان تأثیر و شکل گیری رفتار فضایی افراد، به ویژگی های درونی و شخصیتی خاص هر فرد بعلاوه حواس پنج گانه و تصاویر ذهنی از ساختار محیط بستگی دارد. ساختار کالبدی موجب پدید آمدن کیفیتی در فضایی گردد که خود بر رفتار فضایی افراد در آن فضای مؤثر است. درواقع در هر محیطی شکل گیری رفتار فضایی افراد متفاوت است. با در نظر گرفتن پایانه مسافربری استان همدان به عنوان نمونه موردی، شاخص ها و مؤلفه های اثرگذار بر رفتار فضایی افراد، تعیین و موردن تشخیص قرار گرفته اند. مهم ترین عناصر ساختار کالبدی اثرگذار بر رفتار فضایی افراد در پایانه مسافربری (فرم، رنگ، مصالح، چیدمان و مکان) با مناسب فضایی، نور و روشنایی، صدا و شلوغی و تناسب) بر اساس قابلیت های موجود و میزان گوناگونی در مجموعه و البته توجه به ویژگی های زیبایی شناسانه طرح است. نتایج تحقیقات بر صحبت فرضیه پژوهش دلالت دارد، بطوریکه چنانچه محیط فیزیکی، از سازمان دهی مناسب و متناسب با نیاز کاربران با توجه به اثرات عناصر تشکیل دهنده محیط و ساختار کالبدی پیرامون او بر رفتار فضایی افراد، بر پایه های ویژگی های روان شناختی، شخصیتی، فرهنگی و اجتماعی فرد شکل گرفته و از قابلیت های بیشتری برخوردار باشد، رفتار فضایی افراد به مرتبه مثبت تر ارزیابی خواهد شد. پس از تحلیل صورت گرفته تلاش در جهت ارائه راهکارهای مؤثر در جهت طراحی مطابق با ویژگی های روان شناختی و کسب رضایتمدی افراد صورت گرفته است.

جدول ۱- ارائه راهکارهای مرتبط با بهبود تأثیر ساختار کالبدی بر رفتار فضایی

<ul style="list-style-type: none"> * ارتقاء کیفیت کالبدی فضاهای جمعی باهدف افزایش مدت حضور استفاده کنندگان (توجه به تأثیرات روانی نور، رنگ ها، چینی جاهای و مصالح کاربردی فضایی) * ارتقاء سیمای شهری محور باهدف افزایش خط بصری شهر و تازه واردن و همچنین ارتقاء کیفیت های بصری مانند خوانایی (توجه به زیبایی های بصری لبه ها و جداره ها) 	ارتقاء کیفیت کالبدی
<ul style="list-style-type: none"> * ایجاد تغییر و تحول در برخی کاربری ها و فعالیت ها و جایگزین نمودن آنها با کاربری های مناسب (تغییر وضع موجود) * تجهیز فضاهای با عناصر و مبلمان شهری باهدف افزایش نرخ استفاده شهر و تازه واردن و ایجاد انتظام فضایی بیشتر * دستیابی به پایداری محیطی در عرصه ورودی شهر باهدف ارتقاء کیفیات زیست محیطی شهر * حفظ و ارتقاء محیط طبیعی و رفع آلودگی های زیست محیطی در سایت با استفاده از پتانسیل های موجود (فضای سبز مناسب و طراحی شده) * دستیابی به توسعه پایدار با رویکرد آسایش اقلیمی 	ساماندهی کیفیت کالبدی اینبهای
<ul style="list-style-type: none"> * اختصاص فضاهای مطلوب و مناسب به کارکردها و فعالیت های جاری در محور * تأمین نیازهای مختلف و متنوع کاربران فضای با استفاده از تمهیدات کالبدی * طراحی و تعبیه مبلمان شهری و استفاده از آن جهت ایجاد انتظام فضایی (توجه به رنگ، بافت و فرم آن در طراحی و کاربرد) * توجه به پوشش گیاهی مناسب در فضا * توجه به نور پردازی مناسب و به کارگیری معماری نور جهت ارتقاء کالبدی و بصری در هنگام شب (توجه به رنگ نور و جهت آن) * توجه به کیفیت جداره کالبدی و کف در ابعاد، جنس، رنگ، بافت و... (حذف منبع استرس زا) * استفاده از تمهیداتی جهت ایجاد احساس آسایش در فضاهای داخلی و خارجی (توجه به فضای شخصی، قلمرو و ازدحام) * ایجاد کیفیت بصری از قبیل محصوریت 	بهبود کیفیت کالبدی فضاهای جمعی
<ul style="list-style-type: none"> * حفظ تسلط نشانه های شاخص و گره ها بر فضاهای پیرامون - استفاده از علائم و نشانه ها * فضاهای مناسب فعالیت های اجتماعی * تعریف سلسله مراتب دسترسی * تعریف پنهانه های عملکردی و افزایش عوامل بهبود دهنده تجربه و رفتار 	ایجاد قوام در تصویر ذهنی شهر و نشانه ها

<ul style="list-style-type: none"> * ایجاد اختلاط اجتماعی با تعییه کاربری‌ها و نیازهای متنوع و مختلف * ایجاد امکانات جهت استفاده همزمان گروه‌ها و اشاره مختلف سنی و اجتماعی از فضاهای * توجه به ایجاد حس گروهی مشترک جهت فعالیت‌های گروهی در طراحی 	فراهم‌سازی محیطی غنی از تعاملات اجتماعی
---	--

منابع

- بتلی، ا. و همکاران. (۱۳۸۵). محیط‌های پاسخده. ترجمه: مصطفی بهزادفر. تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت، چاپ دوم.
- حافظ نیا، م. ر. (۱۳۸۶). مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی. تهران: انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها(سمت).
- رایپورت، آ. (۱۳۸۴). معنی محیط ساخته شده: رویکردی در ارتباط غیر کلامی. ترجمه: فرح حبیب. تهران: انتشارات شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- شکوئی، ح. (۱۳۸۷). اندیشه‌های نو در فلسفه چهارگانه. جلد دوم، انتشارات گیاتاشناسی. چاپ پنجم.
- فلاحت، م. ص. و کلامی، م. (۱۳۸۷). تأثیر فضاهای باز شهری بر کیفیت گذران اوقات فراغت شهروندان. فصلنامه مدیریت شهری، ۲۲۵، شماره ۰۲.
- فرید، ا. مقاله تأملی در فضای چهارگانه با نگاهی به نظرات چهارگانه معتبر فرانسه. فصلنامه تحقیقات.
- مرتضوی، ش. (۱۳۸۰). روانشناسی محیط و کاربرد آن. تهران: مرکز چاپ دانشگاه شهید بهشتی.
- مطلیبی، ق. (۱۳۸۰). روانشناسی محیط دانشی نو در خدمت معماری و طراحی شهری. فصلنامه هنرهای زیبا، شماره ۱۰.
- گلکار، ک. (۱۳۸۰). مؤلفه‌های سازنده کیفیت طراحی شهری. نشریه صفحه، سال یازدهم، شماره سی و دوم.
- لینچ، ک. (۱۳۸۴). تئوری شکل شهر. ترجمه: سید حسین بحرینی. چاپ سوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- لنگ، ج. (۱۳۸۱). آفرینش نظریه معماری(نقش علوم رفتاری در طراحی محیط). ترجمه: علیرضا عینی فر. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- Richard, H. and Roger, K. (1975). Exploration in the taxonomy of behavior settings Analysis of Dimensions and Classification of Settings. American Journal of Community Psychology, Vol. 3, No. 4.
- Schoggen, P. (1989). Behavior setting: A revision and extension of Roger G. Barker's Ecological Psychology. Stanford University Press, Stanford, CA.